

سر آهنگ

پرتارک تاج تاریخ

■ نسیم احمد باقری

سرتاج موسیقی مشرقزمین و بابای موسیقی افغانستان استاد محمد حسین سرآهنگ بیست و سه سال است که خود به تاریخ پیوسته، ولی نه تنها آنانی که او را از نزدیک دیده بودند، بلکه جوانان ما که فقط آواز و آوازی دانش و نبوغش را شنیده اند، هرگز فکر نمی کنند که دیگر سرآهنگی در میان ما نیست. و این کمال هنر و دانش او را در علم و عمل موسیقی به اثبات می رساند که در هر دو یگانه دوران خویش بود.

جامعه‌ی ما در یک سده‌ی اخیر هنرمندان فراوانی را به ظهور رسانیده است که اغلب آنها آهنگسازان، خوانندگان و نوازندگان خوبی نیز بوده اند ولی در این میان صرف چند تن معدود بودند که در پهلوی تبارز به عنوان هنرمند، دانشمند موسیقی هم بوده اند که در میان آنها سرآهنگ یگانه‌ی دوران و فرید عصر پنداشته می شود.

سرآهنگ در سال ۱۳۰۲ شمسی در گذر حضرت خواجه خردک مکی رح که بعد ها به کوچی خرابات معروف گشت؛ دیده به دنیا گشود. پدرش استاد غلام حسین از هنرمندان شناخته شده‌ی دربار های امیر عبدالرحمن و امیر حبیب‌الله که در هند تحصیل کرده بود، در پهلوی اساسات علمی موسیقی زبانهای انگلیسی، اردو، هندی، کرناٹی، سنسکریت، پنجابی و برخی دیگر از زبانهای محلی هند را نیز میدانست، موسیقی مکتب حضرت امیر خسرو بلخی دهلوی و اساسات موسیقی اروپایی را به نیکی فراگرفته بود. با آنکه خود آهنگساز و خواننده‌ی مکتب موسیقی یاد شده بود، شیوه‌های محلی موسیقی افغانستان و موزیک اروپایی را نیز با مهارت می نواخت. او نخستین هنرمند افغان بود که به عنوان نوازنده و معلم پیانو از شهرتی در بین مردم برخوردار بود. چنین پدری طبعاً باید سرآهنگی تربیه کند که سرتاج موسیقی منطقه گردد و بابای موسیقی کشور. چون استاد غلام حسین دریافت که پسرش محمد حسین توانایی آموزش موسیقی را بیشتر از آن دارد که او تصور می کرده است و به خاطر آنکه مهر پدری مانع از فراگیری افزونتر پسرش از دانش نگردد؛ در سنین خردسالی دست محمد حسین را که تازه به صنف هفتم لیسسه‌ی امانی (نجات) قدم گذارده بود، گرفته رهسپار دیار هند گردید و او را نزد بزرگترین استاد موسیقی شمال هند - عاشق علی خان معروف به چراغ پنجاب - به شاگردی نشانند.

استاد سرآهنگ مدت شانزده سال تمام در هند ماند و عصاره‌ی دانش استادان هند را جذب حافظه‌ی زودگیر خود کرد. طوریکه او خود قصه می کرد استاد عاشق علی خان کمتر حاضر می شد که به او به صورت مستقیم درس بدهد، بلکه همیشه می کوشید حس کنجکاوی شاگردش را به صورت غیر مستقیم برانگیزد تا با سخت‌کوشی بیشتر مایل به فراگیری موسیقی



هند برانداخته بود، وارد افغانستان شده در سینمای پامیر که تازه توسط شهرداری کابل و به ابتکار زنده‌یاد غلام محمد فرهاد معروف به پایا، بنیاد گذاشته شده بود، کنسرتی مشترک با استاد قاسم که خواننده‌ی دربار و هنرمند پایه یک روزگارش شناخته می‌شد؛ به اجرا در آوردند. مقامات ریاست مستقل مطبوعات وقت در پهلوی این دو استاد بزرگ، به سرآهنگ نیز نوبتی در این برنامه دادند و او با اجرای راگ درباری در این برنامه عملاً از دو استاد شناخته شده‌ی داخلی و خارجی پیشی گرفته، بیش از پیش توجه را به خود جلب کرد. یکی دو سال بعد از این مقامات دولتی رسماً به او لقب استادی دادند که به زودی از طرف مقامات هنری و آکادمیک هند نیز بر آنها مهر تأیید گذاشته شد. در همین بجنوبه بود که جمعی از اهل فرهنگ، شاگردان، و دوستان هنر استاد به پیشنهاد شاعر انقلابی و مردمی کشور **قایل زاده** به او لقب سرآهنگ را اعطا کردند که چندی بعد مورد تأیید مقامات کشور و شخص پادشاه آن وقت قرار گرفته به این لقب معروف گردیدند.

طوری‌که محترم سیداسماعیل مسرور نجیمی به عنوان شاهد صحنه نوشته اند که شبی در منزل حاجل گل تابش که شاگرد استاد سرآهنگ بود، باقی قایل زاده در حضور شادروان سرور جویا، استاد نجف‌علی نباتی، میر غلام حضرت شایق جمال، محمد حسن درخشان، محمد صالح پرونتا، حاجی غلام سرور دهقان، حاجی محمد افضل رسوا، محمد یوسف نظری، جلیل احمد ویرجن ابوی، میرعلی احمد شامل، سیدمظفر شاه سرشاری، عزیزاحمد پنهان، علی محمد معلم، حسن‌جان علاقه دار، غلام یحیی و غلام ذکریا و امثال اینها پیشنهاد می‌کند که باید استاد لقب سرآهنگ را در پهلوی نام خود استفاده کند. حاضرین که تقریباً همه از بزرگان فرهنگ آن روزگار کشور بودند، این پیشنهاد را

دانش عمیق استاد در موسیقی بود که

در مسابقات بزرگی در کشور هند

لقب کوه بلند موسیقی را از دانشگاه

چندیگر پنجاب، القاب ماستر، داکتر و

پروفسر موسیقی را از دانشگاه

کلاکندرا در شهر کلکته‌ی بنگال، لقب

سرتاج موسیقی را از دانشگاه اله‌آباد

که یکی از چهار دانشگاه اولین هند

است، لقب بابای موسیقی را پس از

اجرای کنسرتی در سال ۱۳۵۷ از

دانشگاه دهلی و لقب شیر موسیقی را

در پایان کنسرت سال ۱۳۶۰ اش در

دانشگاه اله‌آباد، بدست آورد.

بعد رو سوی استاد غلام حسین کرده گفت چه دیدی؟ پسرت چیزی یاد گرفته است یا خیر؟ من که فکر می‌کنم او استادی کاملاً عیار است می‌توانی او را به کشورت ببری!

سرآهنگ پس از برگشت به وطن در حلقات هنری آوازه‌یی انداخت که پیشینه‌یی در تاریخ موسیقی کشور نداشت. او با استعداد خارق‌العاده‌یی هم کلاسیک می‌خواند، هم غزل و هم آهنگ‌های محلی مروج در ولایات کشور را. و این امر در پهلوی اینکه طرفداران و ارادتمندانی برای او پیدا کردند باعث جلب حسادت‌ها و رقابت‌هایی نیز گردید تا اینکه در سال ۱۳۲۹ برای نخستین بار او در بوتهی آزمایشی بس بزرگ قرار گرفت. در این سال هم صنفی سرآهنگ بره غلام علی خان که آوازه‌یی در

گردد. وی همیشه به سرآهنگ می‌گفت پشت موسیقی چه می‌گرددی، شما افغانها که در جنگیدن تخصص دارید، تو باید اصول رزم را فراگیری، موسیقی به دردت نمی‌خورد!! و این امر سرآهنگ را وا میداشت تا به دقت بیشتری با دوستان عاشق علی خان و یا آنهانی را که نزدش می‌آمدند؛ مشق و مباحثه کند، بشنود و باریکی‌ها و ظرافت‌های هنر شان را در یاد و بعد اگر چیزی از فهمش بالاتر می‌بود از استاد بپرسد.

همزمان با سرآهنگ کسانی شاگرد عاشق علیخان بودند که ما امروز آنها را در جمله‌ی بزرگترین و نامورترین استادان موسیقی شمال نیمقاره‌ی هند در سده‌ی بیستم میلادی می‌شناسیم، مثل بله (که با حرف ر پشتو نوشته می‌شود و به معنی بزرگ است) غلام علی خان، چوتها غلام علیخان، فریده خانم، استاد امیرخان، استاد عبدالکریم خان و امثال آنها که همه به استادی همدرس شان محمد حسین سرآهنگ و بلندی مقام او معترف‌اند.

زمانی که استاد غلام حسین مرحوم بعد از شانزده سال خواست پسرش به کشور برگردد، برای آوردن او به پتیه‌رفت و سرآهنگ از استادش شکایت داشت که برای او درسی ننمیدهد، چون استاد غلام حسین با دل پر از کین از دوستش پرسید: پسرم را برای آموزش موسیقی به تو سپرده بودم، آیا برایش چیزی یاد داده‌یی؟ استاد عاشق علی خان که منظور استاد غلام حسین را دریافته بود در پاسخ گفته بود: پسر خود به این سوال پاسخ خواهد گفت و بعد به سرآهنگ دستور داده بود تا هارمونیم را بیاورد، چون هارمونیم حاضر گردید؛ گفته بود بنشین پسرم برای پدرت بخوان. سرآهنگ که هرگز جرأت نکرده بود در حضور استادش بخواند، به اثر اصرار او آهنگی در راگ بهیروی را به سرایش گرفت و چنان استادانه خواند که خود عاشق علی خان نیز انگشت تحیر به دندان گزیده

گوید که پدر مرحوم این راگ را به من درس داده بودند، چون نام آن را پرسیدم گفتند این یکی از راگ های ایجاد شده در کلکته است هر وقت که به بنگال رفتی نام این راگ را از استادان آن سامان بپرس؛ ولی هیچ یک از حاضرین نام آن راگ را نمی دانستند.

چنین دانش عمیق استاد در موسیقی بود که در مسابقات بزرگی در کشور هند لقب کوه بلند موسیقی را از دانشگاه چندیگر پنجاب، القاب ماستر، داکتر و پروفیسر موسیقی را از دانشگاه کلاکندرا در شهر کلکتهی بنگال، لقب سرتاج موسیقی را از دانشگاه اله آباد که یکی از چهار دانشگاه اولین هند است، لقب بابای موسیقی را پس از اجرای کنسرتی در سال ۱۳۵۷ از دانشگاه دهلی و لقب شیر موسیقی را در پایان کنسرت سال ۱۳۶۰ اش در دانشگاه اله آباد، بدست آورد و در ختم همین کنسرتش بود که حمله قلبی او را به شفاخانه کشاند و داکتران از اجرای کنسرت منعش کردند ولی او کنسرت هایش را علیرغم این ممانعت در هند به پایان رسانده، موفقانه به میهن برگشت و فشار مقامات رادیو افغانستان برای اجرای مکلفیت های عقب ماندهی جریان سفرش در آن دستگاه، سبب وخیم شدن حالتش گردیده آمادهی سفر جاودانه اش گردانید. استاد در بامدادان روز یکشنبه ۱۶ جوزای ۱۳۶۱ خورشیدی در شفاخانهی ابن سینای کابل به حق پیوست و صفحهی دیگر از تاریخ موسیقی ما که از درخشان ترین صفحات این تاریخ پرافتخار و مباهات ماست، ورق خورد که با تأسف در داخل کشور به دنبال این، ورق ابتدال، بیگانه گرایی و بد ذوقی گشوده شد، ولی بازهم جای شکران است که شاگردان و پیروان مکتب استاد در خارج از کشور بیکار نه نشسته مشعل مکتب او را فروزان نگهداشته اند که در خشش بیشتر و نورافشانی اش افزونتر باد. / پایان

آنجایی پیشرفت که امروز در کشور ما شعر بیدل و آهنگ سرآهنگ را مرادف هم یاد می کنند، چنانکه این بیت شاعر معاصر عبدالله بختانی دال بر همین معنی است که گفته:

مرا دیوانه کرد این صوت و آهنگ

که شعر از بیدل، آهنگ از سرآهنگ
شهرت استاد در گزینش سروده های فخیم
در آهنگ های دری اش نیز تنها زبردستی او در این
ساحه نیست، بلکه هنرمندان هندی معترف اند که
کسی مانند محمدحسین سرآهنگ در گزینش بهول
های با معنای راگ ها و شعر غزل ها به زبانهای
هندی، اردو، کرناتی، سنسکریت و پنجابی دیده
نشده است. توانایی استاد در اجرای آهنگ های
هندی نیز به حدی بود که بزرگترین استادان
موسیقی آن کشور انگشت حیرت بدنان می
گزیدند. در کستی که از یک کنسرت او در شهر
کلکته در آرشیف اینجانب موجود است؛ استاد در
حضور بیشتر از یک هزار نفر که عدهی از استادان
بزرگ موسیقی هند نیز به عنوان هیأت ژوری در آن
حضور دارند، راگی را با کمال زیبایی و استادی به
اجرا در می آورد. در اخیر استادان می پرسند این
کدام راگ بود که شما خواندید. استاد با لبخند می

تأیید نموده با توزیع شیرینی توسط صاحب خانه
استاد محمد حسین سرآهنگ می شود. که لقبی بود
کاملاً " با مسما. گرچه این لقب، تخلص های آهنگ
دار را در خرابات کابل در بین هنرمندان سرتاسر
افغانستان مود روز ساخت ولی هیچ یکی با محتوا تر
و درست تر از لقب سرآهنگ نبود.

هنر استاد سرآهنگ صرف در خواندن به سر و
لی اش نیست، بلکه هنر بزرگ او ابتکاراتی بود که در
موسیقی کشور مرعی می داشت؛ او تنها مستغرق
سر ولی و تال نبود، بلکه در شکل و محتوای آهنگ
های مورد اجرائش توجه بیش از حد مبذول می
داشت. تنوع را دوست داشت آهنگ های برنامه
هایش را بر اساس اصول موسیقی قدیم افغانستان
یعنی موسیقی اصیل خراسانی به شکل نوبت اجرا می
کرد یعنی طیف گونه گونه آهنگها از راگ و تهمری
گرفته تا غزل و آهنگ های لایت و محلی را به اجرا در
می آورد. در پهلوی اینکه با کاربرد سر های موسیقی
به شکل موزون آن ها آهنگ را رنگین می ساخت، به
محتوای لسانی آهنگ نیز توجه داشته بهترین اشعار
را بر می گزید. به قول داکتر اکرم عثمان «استاد
ادیات شناس با معرفت و آگاهی نیز بود که به
بزرگان شعر و ادب دری اردات می ورزید و حضرت
میرزا عبدالقادر بیدل را به چشم مرشد و پیشوای
فکری خود می شناخت. معروف است که کمتر کسی
بیدل را به قدر استاد سرآهنگ می شناخت و وارد
رموز و عوالم شعر هایش شده بود» گرچه سرآهنگ
اشعار واقف، حافظ، سعدی و از معاصرین سروده
های ضیأ قاریزاده، شایق جمال و دیگران را نیز
خوانده است که آهنگ هایش در آرشیف اینجانب
محفوظ اند؛ ولی بیشتر از همه او به آثار پر از کوه و
کتل بیدل علاقه داشت و مخصوصاً به دنبال آشنایی
اش با قندی آغای معروف یا عبدالحمید اثیر بیدل
شناس و شاگردی نزد این ادبیاتشناس و عارف
متبحر کشور، در حلقهی مریدان بیدل در آمد و تا

استاد سر آهنگ
مدت شانزده سال تمام
در هند ماند و عصاره ی
دانش استادان هند را
جذب حافظه ی زود گیر
خود کرد.